

بسمه تعالی

دفاع از سند برنامه درسی ملی

پاسخی به نوشته ی آقای دکتر محرم آقازاده

دکتر محمود معافی<sup>۱</sup>

دکتر سید امیر رَوَن<sup>۲</sup>

قبل از پرداختن به پاسخ آقای آقازاده درباره سند برنامه درسی ملی، لازم دانستیم که خوانندگان محترم را با آقای ذوعلم ریاست سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی و مجری سند برنامه درسی ملی بیشتر آشنا کنیم و بعد به نامه آقای دکتر آقازاده پاسخ دهیم.

آقای ذوعلم از چهره های بارز فرهنگی، تربیتی و مذهبی کشور است. او متولد ۱۳۳۴ در شهر اصفهان و از خانواده ای روحانی و اهل علم است. خود او می گوید " پدر بنده از مجتهدین صاحب کرسی تدریس در حوزه علمیه اصفهان بود و در حوزه علمیه نجف و اصفهان سابقه علمی بسیار فعالی داشتند و به عنوان یکی از چهره های علمی اصفهان شناخته می شدند. پدر ایشان که جد من محسوب می شوند مرحوم آقاشیخ محمدحسین ذوعلم فشارکی بیشتر صبغه اخلاقی و معنوی داشتند و در ابعاد معرفتی و اخلاقی در نزد مردم اصفهان زبانزد بودند و کتابی به نام «نور الآفاق» که شرح دعای مکارم الاخلاق امام سجاد (علیه السلام) است هم تألیف کرده بودند."

شاید به همین علت بود که آقای ذوعلم بعد از اخذ مدرک کارشناسی از دانشگاه شهید بهشتی (رشته کامپیوتر) تحصیلات خود را تا سطح چهارم حوزه ادامه دادند و هم اکنون نیز مطالعات دینی، فرهنگی و تربیتی را بی وقفه ادامه می دهند.

وی در سوابق خود فعالیت در صدا و سیمای کرمانشاه و ایلام، همکاری در دبیرخانه شورای انقلاب اسلامی ایران به ریاست مرحوم شهید بهشتی، راین فرهنگی ایران در پاکستان، عضویت در شورای عالی انقلاب فرهنگی، ریاست پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی، عضویت هیات علمی پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی، مسئولیت اجرایی در امور تربیتی، مدیر کلی طرح و برنامه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مشاور برنامه ریزی و آموزشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مشاور وزیر و مدیر کل دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی، رئیس کارگروه همکاری های حوزه علمیه و وزارت آموزش و پرورش و معاون پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، عضو شورای علمی گروه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، عضو کمیسیون فرهنگ و تمدن شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری و کمیته مطالعات انقلاب اسلامی شورای گسترش وزارت علوم، را در

<sup>۱</sup> دکترای برنامه ریزی درسی

<sup>۲</sup> دکترای برنامه ریز درسی

کارنامه فعالیت های خود دارند. داشتن مسئولیت در مراکز و سازمان ها و عضویت در شوراهای علمی پژوهشی مختلف موجب شده است که تجربه متراکم ارزشمندی را دارا باشد.

از افراد اثر گذار در اندیشه وی می توان مرحوم پرورش، شهید مطهری، شهید مفتاح، شهید بهشتی، آیت الله مکارم شیرازی، امام خمینی (قدس سره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (دامت برکاته) را نام برد.

آثار قلمی این اندیشمند، محقق و مدرس حوزه و دانشگاه زیاد است و می توان به موارد زیر اشاره کرد:

**الف) کتاب ها:** ۱- نظریه تحول در اسلام (رهیافتی در باب گفتمان دینی)، ۲- تجربه کارآمدی حکومت ولایی، ۳- فرهنگ معیار از منظر قرآن کریم، ۴- نگاهی به مبانی قرآنی ولایت فقیه، ۵- انقلاب و ارزش ها (پژوهشی درباره سیر تحول ارزشها در پرتو انقلاب اسلامی در ایران)؛ ۶- کتاب «نقد قال» پاسخ انتقادی به نامه سرگشاده محسن کدیور ۷- کتاب: انقلاب اسلامی (دفتر ۸۲۵) - کارکردهای ولایت فقیه در عرصه بنیان ها و نهادهای دینی - ۹- کودک، مربی، فطرت و تربیت - ۱۰- برنامه درسی ملی گامی به سوی مدرسه زندگی ۱۱- مهندسی فرهنگ اصول و فرایند - ۱۲- حوزه در انقلاب و انقلاب در حوزه ها - ۱۳- تعلیم و تربیت دینی و چالش های فراروی آن

**ب) مقالات:** ۱- شاخص های تربیت دینی از منظر قرآن کریم، ۲- شبهه شناسی و مواجهه فعال با آن، ۳- جایگاه تربیت در اندیشه اسلامی امام خمینی (ره)، ۴- کارآمدی ولایت فقیه در عرصه بنیان ها و نهادهای دینی، ۵- آیا پیوست نگاری، یک راه کار نهایی است؟، ۶- تربیت حکمت بنیان ۷- «تأملی در مفهوم چالش»، ۸- «تحلیلی بر منشور روحانیت، سیاست روز»، ۹- «آسیب شناسی انقلاب اسلامی»، ۱۰- «از اصولگرایی تا کارآمدی»، ۱۱- «اندیشه ولایت فقیه و کارآمدی نظام جمهوری اسلامی»، ۱۲- «اصولگرایی و تحول»، ۱۳- «همسویی یا تعارض؟» ۱۴- تاریخ فلسفه تاریخ مباحث نظری - ۱۵- روحانیت و قدرت سیاسی تجربه جمهوری اسلامی - ۱۶- تکامل یا کاریزما؟ ۱۷- روند شکل گیری رهبری امام خمینی (ره) در انقلاب اسلامی ایران ۱۸- ولایت فقیه: از تئوری تا تجربه - ۱۹- شاخص های تربیت دینی از نگاه قرآن کریم (۱) - ۲۰- انقلاب اسلامی، تحجر و سنت - ۲۱- تساهل و تسامح از زاویه ای دیگر - ۲۲- منشور علامه اقبال در برابر غرب - ۲۳- تعلیم و تربیت و بترینی!

## دیدگاههای تربیتی آقای ذوعلم

تربیت در معنای واقعی خودش یعنی در جهت ربوبیت خداوند حرکت کردن و بدنبال آن کشف گنجینه های الهی درون و برون و پرورش آنها از طریق تعامل با خود، جامعه، خدا و نظام خلقت است. توصیف اواز تربیت ناشی از معرفت شناسی دینی اوست. این معرفت شناسی مبتنی بر فلسفه متعالی اسلام، قرآن و در درجه بعد برگرفته از فلسفه رسمی تعلیم و تربیت رسمی جمهوری اسلامی است. وی تعلیم و تربیت را ارتباطی دو

جانبه ازسوی فرد ومعلم با فرد ازطریق مواجهه فعال با منابع یادگیری می داند . معلم دراین میان نقش محوری دارد ولایم است که معلمان خود به لحاظ فکری ، اعتقادی، علمی و عملی و ارزشهای اخلاقی نمونه باشند تا بتوانند به وظیفه واقعی خود عمل کنند.

وی ضمن توجه عمیق به فرهنگ و دانش بومی ، به تجارب جهانی اهمیت زیادی می دهد .به عنوان یک فرهنگ شناس که دغدغه ایران و اسلام را دارد توجه به حفظ و اعتلای فرهنگ اسلام وایران ، وتوسعه فردی واجتماعی در ابعاد مختلف را ازمهم ترین شاخصه های تربیت و پیشرفت می داند.هدف او از آموزش توجه به رشدتفکر وتعلل دردانش آموزان ، تعمیق باورها و اعتقادات عمیق دینی وملی در آنها، برخورداری ازسواد علمی ،توانمند درکاربست دانسته ها وکسب صفات اخلاقی است.

کسب این صفات ازنظراو زیر بنای یک زندگی پاک فردی و اجتماعی است، که در حکمت قرانی از آن به عنوان " حیات طیبه " یاد می شود . ذوعلم هرچند یک آرمانگراست، اما گذشته کشور،مسایل حال و آینده نزدیک را بخوبی می بیند.

ذو علم دریک مصاحبه اظهار می کند که هدف و نقطه ی مطلوب ما در آموزش و پرورش، تربیت انسانی است که بتواند به نیازهای فردی، خانوادگی، نیازهای اجتماعی خویش، همزمان و همسو پاسخ بدهد و با یک هویت تعین یافته و خودآگاهانه، مسیر تعالی زندگی خویش را تشخیص بدهد و طی بکند. ما به انسانی نیاز داریم که اهل تشخیص و بصیرت باشد، اهل آگاهی و علم باشد، اهل عمل و اراده باشد.این نوع نگاه به اهداف تربیتی آموزش و پرورش او را زمره برنامه ریزانی قرار می دهد که یک فرا رویکرد را در برنامه درسی دنبال می کند تا یک رویکرد محدود کننده و پراز کاستی های فراوان.

از نظراومهمترین هدف برنامه درسی چیزی جز تربیت افرادی متفکر، مومن، باسواد به لحاظ علمی ، عامل به دانسته ها و متخلق به اخلاق حسنه نیست. داشتن شعور فرهنگی و بصیرت دینی دردانش آموزان، مجهز شدن آنها به دانش روز، پای بندی به اخلاقیات وازهمه مهمتر، دارابودن قدرت تفکر و تجهیزبه استدلال های عقلی در نزداو بسیارمهم است. زیرا معتقد است دانش آموزان از این طریق بهتر می توانند خود ، خدا ، جامعه ، طبیعت رادرک و و علم وفناوری را کنترل کنند.

موضوعات درسی همه عرصه های عالم هستی را می تواندپوشش دهد . اما باید متناسب با نیاز ورشد یادگیرنده باشد ، همه مواددرسی الزاما باید رشد تفکر، کسب معرفت ودستیابی به بصیرت دینی، عمل به دانسته ها و کسب ارزش های اخلاقی را ازطریق تعامل با عرصه های یادگیری دغدغه خودقرار دهند. با طرح این دیدگاه اودیدگاه وسیع تری را دنبال می کند که نهایت آن پیوند دادن برنامه درسی با حقیقت زندگی است. توجه به عرصه های مختلف یادگیری درالگوی هدف گذاری او وهمکارانشان دلیلی بر این مدعاست.

او به یادگیری و تنوعی از موضوعات علمی موردنیازفرد، تفاوت های فردی و اجتماعی، تفاوت های محیطی وفرهنگی و استقلال مدارس در پاسخگویی به نیاز های جوامع محلی عمیقا توجه دارد.

از نظر این اندیشمندان، انسان باید به خود، جامعه و نظام خلقت در پرتو خدا نگاه کند تا زمینه برای پیدایش انسان صالح فراهم شود. به همین علت نگاه آیه ای در اندیشه او بسیار مهم است.

یادگیری از نظر ذوعلم یعنی پیشرفت فکری، اعتقادی و معنوی، علمی، توانایی عمل به دانسته ها و ارزش های اخلاقی دانش آموزان. از نظر او برنامه ریزی و برنامه ریزان باید از طریق توجه معقول به فرهنگ ملی و دانش جهانی و از طریق مشارکت آگاهانه و فکورانه، مشارکت دادن افراد نخبه، دلسوز و معتقد و دریکن فضای همدلانه بایکدیگر کار کنند تا برنامه خصلتی نوپویا پیدا کند. توجه به آزاد اندیشی و تضارب افکار برای او بسیار مهم است. البته به دلیل داشتن اعتقادات عمیق دینی طرفدار پروپاقرص اصول و حیانی و اسلام ناب محمدی است.

توجه همه جانبه به فرد، جامعه و مردم، خدا و نظام خلقت در برنامه های درسی عمیقاً مورد تأکید اوست و انعکاس آن را در افکار و نظریات تربیتی او به خوبی می توان مشاهده کرد.

در حیطه برنامه درسی وی احتجاجات خاص خود را دارد. از نظر او همه موضوعات درسی قابلیت استعلایی دارند. البته در صورتی که برنامه ریز، مولف و معلم هر سه نگاه آیه ای به جهان مخلوق داشته باشند. دیدگاه وی نهایتاً بر توسعه عقل و ایمان آگاهانه استوار است. به عبارتی او به برنامه درسی عقل محور اعتقاد دارد. ضمن باور به عقل در عین حال محدودیت آن را بخوبی می داند و از همین رو برای غلبه بر این محدودیت بر ایمان به وحی، تهذیب و شهود و صفای باطن برای درک حقایق تأکید دارد.

از نظر او ادراکات خالص عقلانی می تواند در کنار شهود و پاکی نفس موجبات شکوفایی فطرت و استعلای فردی را فراهم کند. هرگاه فطرت انسان بخوبی پرورش یابد انسان می تواند قابلیت های همه جانبه خود را بروز دهد. در حوزه آموزش هم بر پژوهش های تجربی تأکید دارد و هم به بحث های نظری عمیق. او معتقد به نظریه پردازی های ناب تربیتی است و معتقد است که آموزش و پرورش از این جهت کاستی های فراوانی دارد.

از نظر او تعلیم و تربیت توان دست یابی به اهداف متعالی را دارد. البته این امر با داشتن یک برنامه درسی خوب و هدفمند و مبتنی بر فلسفه متعالی اسلام، روش های تدریس هدف گرا، و معلمان شایسته امکان پذیر است.

نظام تعلیم و تربیت، خانواده، مدرسه و جامعه باید به سیر و سلوک شخصی دانش آموز کمک کنند تا زمینه استعلای همه جانبه و گشودگی فطرت در او فراهم شود. وی تعلیم و تربیت را یک کار جمعی می داند که فراتر از کارکردهای یک وزارتخانه است. همه افراد موضوع تربیت هستند و در تربیت یکدیگر ایفای نقش می کنند. به همین علت همه افراد یک کشور باید در خدمت تعلیم و تربیت باشند.

آرمان شهر تربیتی او جامعه طیبه است. که از طریق معلم و مدیر صالح و مدارس صالح بوجود می آیند. دیدگاه او به تعلیم و تربیت توأم با نگرش اعتقادی انقلابی و اخلاقی قدرتمندی است که می تواند به ما

کمک کند تا هم خود را تغییر دهیم و هم جامعه صالحی را بسازیم. البته به شرطی که بتوانیم با خداوند متعال، خود، جامعه و نظام خلقت در پرتو راهنمایی و اطاعت آگاهانه از خلیفه خدا (پیامبر اسلام (ص)، امام و ولی صالح فقیه دردوران غیبت) رابطه و پیوند عمیقی ایجاد کنیم.

انسان ها بطور کلی موجودات ناقصی هستند اما با شناخت خود و خداوند و نظام هستی و عمل به ارزش ها و اخلاقیات می توانند کامل شوند. شاید نیل به انسان کامل در مدارس به طور کامل تحقق نیابد، اما با این وجود برای هدایت تعلیم و تربیت از نظر او یک نقطه تمرکز و اطمینان فراهم می کند.

به همین علت است که به تحقق مراتبی از انسان کامل در هدف غایی تربیتی خود بسنده می کند. از نظراو یادگیری از منابع و حیانی و علمی مستدل، یادگیری از یکدیگر، بحث و گفتگو، تحقیق و تجربه و تعامل با معلمان به عنوان مرییان فرهنگی بسیار مهم است. او هم علاقمند به تحقیق است و هم علاقمند به اندیشیدن، داشتن ذهن پویا و گشوده از ویژگی های اوست. ذو علم مسایل برنامه درسی را در یک بافت وسیع تری می بیند که همان فلسفه متعالی اسلامی و مادر برای سایر حوزه های معرفتی است، و از این درک باریک بینانه فلسفه متعالی است که سایر فلسفه ها و کارکردها نشات می گیرد. از این زاویه است که باید به مولفه های سند برنامه درسی ملی نگاه کرد.

### پاسخ به نامه آقای دکتر آقازاده

چرا وجود جناب حجت الاسلام علی ذو علم نه یک زلزله برای آموزش و پرورش بلکه یک رحمت الهی برای آموزش و پرورش است؟

در این نوشتار ما تلاش داریم که از کار کمیته تدوین سند برنامه درسی ملی دفاع کنیم. متأسفانه برخی بجای نقد علمی سعی دارند که دیگران را با ترور نرم ضایع کنند. نقد آقای دکتر آقازاده بیشتر نقد فرایند تولید برنامه درسی ملی است تا نقد محتوا. در حالیکه انتظار می رفت ایشان وارد نقد محتوایی می شد و برای نفی هریک از مولفه های این سند، دلایل محکمی می آورد. از نقد وی پیداست که حتی بخود اجازه نداده است که حداقل مقدمه نگاشت چهارم سند برنامه درسی ملی را که این کمیته به شورای عالی آموزش و پرورش تقدیم نمود مطالعه کند. زیرا پاسخ خیلی از سوالات خود را در آن پیدا می کرد. در مقدمه این سند نام اعضای کمیته های علمی در مرکز، اعضای کمیته های ستادی، اعضای کمیسیون راهبری طرح و کمیته های استانی که متشکل از افراد مختلف از جمله معلمان برگزیده از استان های مختلف به تفصیل ذکر شده است.

## فرایند تولید سند برنامه درسی ملی

**انتقاد اول: روش کار علمی نبوده و آقای ذو علم صلاحیت این کار را نداشته اند.**

**پاسخ:** کار تولید و تدوین این سند از اسفند ماه ۱۳۸۴ با تشکیل دبیرخانه طرح آغاز شد و پس از تحقیقات و مطالعات اولیه و ابلاغ مصوبه هفتصد و چهل و پنجمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش در اردیبهشت ماه ۸۶ به جناب آقای ذوعلم که در آن زمان مدیر کل دفتر تالیف کتاب های درسی بودند آغاز شد در بدو امر با نظارت کمیسیون راهبری کمیته علمی پس از بررسی های لازم و دستیابی به اهداف، تعریف و حدود طرح و خروجی های مورد انتظار، کمیته های هفت گانه تخصصی و مطالعاتی به شرح ذیل تشکیل شد:

۱. کمیته کلیات، اصول و مبانی؛ ۲. کمیته محتوای آموزشی، پرورشی و حوزه های یادگیری؛ ۳. کمیته ساختار، مقاطع، رشته ها و زمان؛ ۴. کمیته میزان اختیارات و کاهش تمرکز؛ ۵. کمیته ارزشیابی از پیشرفت تحصیلی و راهبردهای یاددهی - یادگیری؛ ۶. کمیته مواد، رسانه ها و محیط های یادگیری؛ ۷. کمیته ارزشیابی از برنامه درسی ملی و اقتضائات اجرایی.

سپس برای جلب مشارکت فعال حوزه های صف و ستاد، کمیته های استانی و کمیته های ستادی طرح، با ابلاغ بخش نامه وزیر محترم وقت، آغاز به کار کردند.

هم زمان با سایر فعالیت ها، برای تبیین ابعاد طرح و استفاده از یافته های علمی و پژوهشی در بخش های مختلف برنامه درسی ملی، شش عنوان پژوهشی: ۱. مطالعات نظری، تطبیقی در حوزه آموزش و پرورش؛ ۲. بررسی مبانی جامعه شناختی برنامه درسی؛ ۳. بررسی مبانی روان شناختی برنامه درسی؛ ۴. بررسی تحقیقات انجام شده در حوزه برنامه درسی؛ ۵. بررسی اسناد، مصوبات و دیدگاه های مسئولان عالی نظام در حوزه برنامه های درسی؛ و ۶. بررسی تاریخیچه و وضعیت موجود برنامه درسی در جهان و ایران، تعریف و نسبت به اجرای آن توسط محققان محترم اقدام شد. علاوه بر این، هر یک از کمیته های تخصصی نیز بر حسب موضوع کار، مطالعات گسترده ای را در زمینه آسیب شناسی وضع موجود، بررسی تجربه سایر کشورها و تبیین ابعاد علمی موضوع با استفاده از تحقیقات موجود انجام دادند.

به منظور بهره گیری از نظرات کارشناسان و متخصصان و نیز کمیته های ستادی و استانی در ارتباط با ابعاد و جهت گیری های برنامه درسی ملی، جلسات کارشناسی، نشست های منطقه ای و سراسری و همایش ها و هم اندیشی های متعددی در طی سال های ۸۵ تا ۸۷ برگزار گردید و یافته های آن در جهت تدوین سند در اختیار کمیته های تخصصی قرار گرفت.

نخستین نگاشت برنامه درسی ملی در بهمن ماه ۸۷ تدوین و برای اظهار نظر در اختیار صاحب نظران و کارشناسان حوزه های ستادی و استانی قرار داده شد. پس از جمع بندی و بررسی کلیه یافته ها در جلسات کارگروه تلفیق، دومین نگاشت سند در ۲۵ اسفند ماه ۸۷ مصادف با میلاد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و امام صادق (علیه السلام) برای

استفاده از نظرات فرهنگیان و صاحب‌نظران به همراه پرسش‌نامه ارزیابی، بر روی سایت دفتر تألیف و برنامه‌ریزی کتب درسی قرار گرفت؛ و در ادامه سومین و چهارمین نگاشت تولید شد. نگاشت چهارم نیز توسط گروهی از دانشگاهیان اعتباربخشی شد و اصلاحات لازم در آن به عمل آمد. هم‌زمان نگاشت چهارم طی جلسات متعدد و طولانی در کمیسیون راهبری طرح با ریاست وزیر محترم وقت آموزش و پرورش و حضور اعضای شورای مشورتی ستاد تحول بنیادین و نیز در چندین نشست کارشناسی و تخصصی این سند مورد بررسی نهایی قرار گرفت و به شورای عالی آموزش و پرورش تقدیم گردید. سند حاضر در اصل شکل تعدیل شده نگاشت چهارم و حاصل بحث کارشناسی در شورای عالی آموزش و پرورش است. با توجه به اینکه این سند حاصل یک فرایند علمی بوده و در شورای عالی محترم آموزش و پرورش مورد بحث و بررسی و تصویب قرار گرفته بدین لحاظ یک سند قانونی است و قانونی بودن به خاطر آقای ذو علم نیست، بلکه به دلیل اعتبار روش کار، پشتوانه علمی و محتوای مورد تایید آن در مراجع قانونی می باشد.

گرچه تلاش همه دست‌اندرکاران این امر خطیر بر آن بوده است که به اصول حاکم بر فرایند تولید وفادار بمانند، ولی تنگناها و محدودیت‌های علمی و کارشناسی، فقدان پیشینه تولید برنامه درسی ملی در کشور و فراتر از آن تفاوت‌های بنیادین گفتمان غالب در عرصه علوم تربیتی با مبانی فلسفه تربیتی اسلام، چالش‌های جدی را در جریان تولید این سند برانگیخته است. پدیدآورندگان این سند با وقوف کامل به این تنگناها و با دغدغه نسبت به تمهیدات و پشتیبانی‌های کافی برای تحقق برنامه، معتقد هستند که این کار تنها گام نخست برای چرخش وضعیت موجود به سمت مطلوب تلقی می‌شود و قطعاً کلام آخر نیست.

**انتقاد دوم:** سند برنامه درسی ملی تولید شده توسط آقای ذو علم با دستورات اعجاب‌آور وزیر وقت، آقای حاج‌بابایی پیکر آموزش و پرورش را آماج تیرهای بی‌مبالاتی علمی و فنی قرار داد. حاج‌بابایی دستور تولید کتاب‌های درسی را بر مبنای سند برنامه درسی ملی صادر کرد. سندی که ابهامات فراوانی با آن همراه است. به دستور آقای حاج‌بابایی و به تبعیت معاونش حجت‌الاسلام بهرام محمدیان، کتاب‌های درسی تألیف و بدون اجرای آزمایشی در سطح کشور برای اجرا توزیع شدند. این کار نه فقط خلاف همه مقررات علمی و فنی است، بلکه مصداق کامل بی‌مبالاتی اخلاقی و نمونه‌ای از تمامیت‌خواهی خام بود.

**پاسخ:** تولید این سند که اولین بار در تاریخ آموزش و پرورش صورت گرفته است از افتخارات نظام آموزش و پرورش و کلیه اعضای تیم‌های پژوهشی و اعضای تدوین‌کننده سند برنامه درسی ملی، کارشناسان دفتر تألیف و افرادی است که در اعتباربخشی آن اعم از علمای حوزه و اساتید دانشگاه، معلمان و کارشناسان صف و واحدهای پژوهشی ادارات کل در سطح ستاد و استان‌ها مشارکت داشته‌اند و تلاش شده است که فاقد ابهام باشد زیرا این سند مبنای تولید راهنماهای حوزه‌های مختلف تربیت و یادگیری است. تألیف کتاب درسی را نمی‌توان فقط بر مبنای این سند آغاز نمود بلکه بر اساس این سند باید راهنمای برنامه درسی حوزه‌های مختلف تربیت و یادگیری و راهنمای تألیف برای هر کتاب تدوین شود و سپس اقدام به تألیف کتاب درسی

کرد. گویا جناب عالی نه از فرایند تالیف کتاب درسی آگاهی دارید و نه تا کنون کتاب درسی تالیف کرده اید . اقدامات انجام شده تا کنون هم نوعی همسو سازی بوده است.

سند برنامه درسی ملی به دلیل طی کردن فرایند علمی (در طراحی و تدوین) انجام مطالعات تطبیقی ، شناسایی نیازهای ذینفعان ، دریافت پاسخ های قابل قبول به سوالات پژوهشگران ، همسویی با مبانی اعتقادی و فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی ، توجه به اصول مترقی و منعطف در طراحی برنامه های درسی ، داشتن فراویکردی مبتنی بر پرورش گرایشات الهی و انسانی (پرورش ارزش های اخلاقی ، علم جویی ، پرورش تفکر و مهارت های ذهنی ، توجه به ابعاد مختلف رشد (ابعاد جسمانی ، عاطفی ، اجتماعی و معنوی ، پیوند بین علم و عمل ، توجه به شکوفایی وجود و تاکید بر قرب الهی و پیوند با عالم معنا) که به صورت یک پل ارتباطی بین انواع نظریات رایج در برنامه درسی عمل می کند ، توجه به نیازهای فرد و جامعه ، برخورداری از الگوی هدف نویسی نوو مبتنی بر عناصر تربیتی پنجگانه (تفکر، ایمان ، علم ، عمل و اخلاق) که بر یادگیری از طریق تعامل با عرصه های مختلف یادگیری (خود ، خداوند متعال ، جامعه و نظام خلقت) توجه دارد، توجه بر شایستگی های تربیتی پنجگانه ، بیانیه های درسی روشنگرانه و مبتنی بر پیشرفت همه جانبه کودکان و نوجوانان ، اصول مترقی در یاددهی و یادگیری و شیوه ارزشیابی جامع ، ساختار زمانی و تحصیلی مبتنی بر رشد، توجه به ضوابط تولید و اجرای پویای برنامه درسی ، انسجام درونی و نیاز به ارزشیابی از برنامه درسی ملی در یک بازه زمانی معین که از خصلت به روز بودن این نوع از برنامه ها حکایت دارد، موجب شده است که از یک وجهه علمی بالایی برخوردار باشد.

لازم به ذکر است که به غیر از ساختار و زمان تحصیلی و نیز ضوابط تولید و اجرای برنامه که موضوعات مستقلی هستند ، سایر موارد دارای ارتباط و تقدم منطقی و انسجام درونی هستند. البته برخی از پیشنهادات اعضای کمیته های تحقیق از نظر گروه تلفیق یافته ها (گروه تدوین کننده سند برنامه درسی ملی) و یا شورای عالی آموزش و پرورش به صورت اصول کلی ارائه شده ، برخی نیز جزئی تشخیص داده شد که در تدوین راهنماهای برنامه درسی می توان از آنها استفاده کرد .

بحث تغییر ساختار نظام آموزش و پرورش و همزمانی آن با تغییر برنامه های درسی و چگونگی اجرای برنامه درسی در هر کشور موافقان و مخالفانی را دارد، اما به هر حال اینگونه نبوده است که معلمان و گروههای آموزشی، کارشناسان ستادی ، صف و مدارس و یا خانواده ها در جریان تغییر برنامه ها قرار نگرفته باشند و یا پیش نویس برنامه های درسی (مواردی که دچار تغییر شده است) به اطلاع آنها و یا حداقل نمایندگان معلمان (گروههای آموزشی) نرسیده باشد. مطابق فرایند هر کتابی که جدید تالیف و دچار تغییرات اساسی شده ، جدا از اطلاع رسانی به روز و اعتبار بخشی از طریق درگاه اینترنتی سازمان پژوهش ، نمایندگان معلمان مطابق روال همیشگی دعوت شده اند و پیش نویس کتاب درسی به اطلاع آنها رسیده و از نظرات آنها برای بازنگری در محتوا قبل از اجرا استفاده شده است.

البته تغییرات در بیشتر موارد همانگونه که خاطر نشان شد از نوع همسویی بوده است و عملیاتی شدن برنامه درسی ملی مستلزم اتمام کار در دست تدوین راهنماهای حوزه های تربیت و یادگیری نوین در موضوعات مختلف است.

این سند فاقد ابهام است و اگر ناقد محترم مواردی را مبهم می داند، می تواند سوال خود را از اهل فن پرسد، ندانستن و پرسیدن عیب نیست .

**انتقاد سوم :** «رویکرد و جهت گیری محوری در سند برنامه درسی ملی، رویکرد فطرت گرایی توحیدی و رسیدن به حیات طیبه است که طیف گسترده ای از برداشت های دینی و مذهبی از برداشت های بنیادگرایانه تا معتدل و عرفانی را در حوزه اسلام در بر می گیرد.

**پاسخ :** فطرت اشاره به گرایشات عالی الهی و انسانی در وجود آدمی دارد که مشترک بین همه انسان هاست . مانند حقیقت جویی، میل به پرستش خدا، عدالت خواهی، میل به دانستن و کنجکاوی، میل به کشف کردن، میل به خلق کردن و آفریدن، میل به تغییر، میل به عدالت خواهی و آزادی، میل به زیبایی، میل به کرامت و عزت نفس، داشتن علاقه به معنویات و امور ماورایی و پیوند با عوالم مینوی، میل به کمک کردن و بخشیدن، نوع دوستی، کشف نظامات خلقت و... صدها گرایش دیگر. این گرایشات همواره تحت تاثیر باورها و اعتقادات قرار می گیرد و تفسیرهای مختلفی از آنها در بین انسان ها دیده می شود. اما اگر این علایق و گرایشات در راستای توحید و درک صفات و اسماء الهی و براساس تعالیم الهی و تجربیات موفق تربیتی قرار نگیرد شکوفا نخواهد شد. وای بسا به مسیری راهه منجر شود. برای مثال چقدر از انسان ها به اسم عدالت و مارکسیسم و دفاع از حقوق کارگر در شوروی سابق از بین نرفتند و یا به اسم قانون چقدر از انسان ها که نابود نشدند. بدین لحاظ رویکرد فطرت گرایی پلی بین همه نظریات برنامه درسی اما باسوگیری الهی است. این رویکرد برخاسته از قرآن، انسان شناسی اسلامی و فلسفه تعلیم و تربیت اسلام است. فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی رویکرد برنامه درسی منطبق با خودش را طلب می کند. در حقیقت این رویکرد بدنال شکوفایی انسانیت انسان با توجه به فطرت سالم الهی است. که می تواند منجر به حیات طیبه فردی و اجتماعی شود.

ما امیدواریم خودمان، جناب آقای آقازاده و همه کارشناسان، معلمان و دانش آموزان از جمله کسانی باشند که خودشان به این شکوفایی فطری برسند.

**انتقاد چهارم :** حجت الاسلام علی ذوعلم، با یک تازی و با از میدان به درد کردن متخصصان برنامه درسی با بهانه های مختلف و بهره جستن از حضور کارشناسان سازمانی یا از همفکران برون سازمانی خود که غالباً کارشناسان کارآمدی ارزیابی نمی شوند، تلاش کردند منویات فکری و مذهبی خود را وارد سند برنامه درسی کنند. یک دلیل اساسی برای این کار وجود داشته و پیگیری هم خواهد شد و آن این است که تمام کوشش بر آن بوده است که تمرکز عملی و فکری بر برنامه های درسی اعمال بشود. تمرکزگرایی

**ایدئولوژیک و عملیاتی برنامه درسی در دنیای غرب اگر جهت گیری توسعه اقتصادی و اشتغال زایی دارد، در ایران و بر اساس عملکرد علی ذوعلم به سوی تمامیت خواهی ایدئولوژیک سوق داده شده است.**

**پاسخ:** در عموم کشورها کار تولید چارچوب برنامه درسی ملی ویا راهنمای برنامه های درسی با مشارکت متخصصان علوم تربیتی ، نمایندگان نهادهای مختلف ، برنامه ریزان درسی، کارشناسان موضوعی از دانشگاه ،معلمان و مدیران اجرایی وافراد صاحب نظر در سطوح مختلف (مرکز ، استان ها و مناطق) صورت می گیرد . این فرایند ممکن است که در ضمن تدوین و تهیه پیش نویس سند/برنامه به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم در زمان اعتبار بخشی از سند برنامه درسی ملی صورت گیرد. ما قبلا توضیح دادیم که فرایند تولید و اعتبار بخشی این سند چگونه بوده است. معلمان از طریق همایش های قطبی دیدگاه خود را در مورد این سند ارائه کردند. سوال اینجاست که آیا معلمان مناطق و کارشناسان صف وانجمن اولیا ومربیان علاوه بر اینکه نماینده خودشان هستند نماینده خانواده ها و جوامع محلی نیستند؟

افرادی مانند آقای ذوعلم و همکاران متخصص ومتعهد او از داخل و بیرون از سازمان با اعتقاد عمیق دینی وباوربه فلسفه تعلیم وتربیت اسلامی ، وبا توجه به تجارب جهانی به تولید این سند اقدام نموده اند. ای کاش شما در جهت غنی سازی آن پیشنهاد های خود را ارائه می کردید . ویا بر مبنای فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی وحدافل تجارب کانادایی ؟؟؟ حداقل چند ایده راهگشا را ارائه می کردید . اما بعید می دانم شما نگاه استعلایی به تعلیم و تربیت داشته باشید . آقای ذوعلم و همکارانشان علاوه بر داشتن نگاه تعالی بخش به تعلیم و تربیت، این جرات و شجاعت را داشتند که خودشان دیدگاه تازه ای را در حوزه تعلیم و تربیت ارائه کنند. آنها منتظر فرمایشات بلوم و اسکینر، ثوراندیک ، اشتاینر نماندند .وبا روش مهندسی همزمان در استفاده از یافته های موجه ومعتبر حاصل از انجام پژوهش ها وتجربیات گروه های مرجع معلمان و کارشناسی مورد وفاق وعقل جمعی ، سندی را در سطح ملی تولید نمودند.

اگر به شایستگی های پایه ( اهداف برنامه درسی ملی) و بیانیه های درسی نیک توجه کنید، متوجه می شوید که تدوین کنندگان سند هم به توسعه فرهنگی ، اجتماعی ، سیاسی و اقتصادی توجه داشته اند وهم به توسعه اخلاقی و معنوی . اساسا یکی از رسالت های نظام های آموزش وپرورش باید تبدیل سیاره زمین از یک سیاره طبیعی به یک سیاره فرهنگی و انسانی است. سیاره ای که فناوری در خدمت انسان است ونه مسلط برانسان .

**انتقاد پنجم : بر اساس سند برنامه درسی ملی، چارچوبی برای طرح درس نویسی فراهم آمده است که نه کارشناسان می توانند آن را تبیین کنند و نه معلمان توانایی بهره مندی از آن را به مثابه ابزار کار دارند.**

**پاسخ:** اساسا در این سند به چارچوب طرح درس نویسی اشاره نشده است. آنچه که اشاره شده چارچوب هدف نویسی و طراحی برنامه درسی در سطح حوزه های مختلف تربیت یادگیری وآنهم در سطح اهداف کلی برنامه درسی است. هر حوزه یادگیری وتربیتی می تواند اهداف پرورش فکری ، اعتقادی ونگرشی ،

علمی (شناختی) ، عملی و مهارتی و ارزشی و اخلاقی را با توجه به عرصه های مختلف یادگیری در حد اهداف کلی و اهداف فصول داشته باشد . کافی است که بین رشته ای فکر کنیم واز دانش و مهارت و تجربه لازم برخوردار باشیم. از آنجا که محتوای هردرس اساسا جزئی تر از محتوای فصل و بخش است و به ابعاد خاصی می پردازد ، ممکن است که به برخی از عرصه های یادگیری بیشتر توجه کند و تبعاً برخی از عناصر تربیتی و عرصه های یادگیری پررنگ تر و یا کم رنگ تر باشد.

معمولاً محتوای یک کتاب در مقایسه با محتوای یک درس از همان کتاب که جزئی تر است ، انعطاف بیشتری در توجه به عناصر تربیتی و عرصه های یادگیری دارد البته . تجارب معلمان در کلاس نشان داده است که آنها حتی در نوشتن طرح درس بر اساس این عناصر و عرصه ها ناتوان نیستند . بهر حال هردرسی یک سری مهارت های فکری و ذهنی ، اعتقادی و نگرشی ، علمی ، مهارتی و یا اخلاقی و ارزشی را دنبال می کند.

لب مطلب این است که برنامه درسی باید بدنبال تربیت افرادی متفکر ، مومن ، عالم (در معنای اعم آن) ، عامل (توانا در کار بست دانسته ها) و متخلق به اخلاق حسنه باشد. بنابراین سازمان محتوا و فرایند تدریس باید به دنبال پرورش این شایستگی ها در دانش آموزان باشد.

**انتقاد ششم : در پروژه سند برنامه درسی ملی، حتی یک مورد از اسناد برنامه درسی ملی نشان نمی دهد که از ذی نفعان سند برنامه درسی ملی پژوهشی به عمل آمده باشد و با آنان مختصات سند برنامه درسی ملی در میان گذاشته شود.**

**پاسخ:** معمولاً در سندی مانند سند برنامه درسی ملی اصل در پیاده سازی انتظارات سیاستگذاران آموزشی و نیز توجه به خواسته ذینفعان به ویژه نیاز مخاطبان، تدوین کنندگان برنامه درسی، تولید کنندگان مواد آموزشی ، معلمان ، و ارزشیابان است . پاسخگویی به نیاز سیاستگذاران از طریق پیاده سازی اسناد بالادستی و جلسات مشترک و نیاز بقیه افراد از طریق نظرسنجی های حضوری و توجه به مولفه های راهنمای برنامه درسی در حوزه های یادگیری صورت می گیرد . ارائه اصول ناظر بر طراحی برنامه درسی ، معرفی رویکرد برنامه درسی ، بیان شایستگی ها ، بیانیه های درسی ، اصول انتخاب راهبردهای یاددهی و یادگیری و شیوه ارزشیابی، و جدول زمانی موضوعات درسی از جمله این موارد است .

**انتقاد هفتم : با دست آویز قرار دادن آیه ۹۷ سوره نحل “مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ” در هدفگذاری سند برنامه درسی دستیابی به حیات طیبه را وارد کرده اند . مخاطب آیه شریفه دانش آموزان مدرسه دست کم در دوره های ابتدایی و دوره اول متوسطه نیست. عمل کردن بر آن اساس در واقع کشاندن آموزش اصول و فروع آموزش بزرگسالان به آموزش های مدرسه ای است.**

**پاسخ :** جناب آقا زاده، حتی یک آیه از قران، حکمت جوشان الهی است که می تواند گره از بسیاری از کارهای فرو بسته انسان را بگشاید . شما معتقد هستید که به استناد یک آیه قران نمی توان اهداف تعلیم و تربیت را طراحی کرد . گویا شما قران را نه درس زندگی (که می تواند مبنای خیلی از فعالیت های ما انسان ها قرار

گیرد)، بلکه کتابی می دانید که خواندن آن در کنار سایر موضوعات درسی مانند قبل از انقلاب به شیوه سنتی و گذشته این توانایی را داشت که افراد انقلابی تربیت کنند، بنابر این نیازی نیست که بی خودی بر طبل قران بکوبیم. ظاهراً از نظر شما بهتر است که بجای آنکه خودمان با استفاده از قران و متون دینی نظریه پردازی کنیم، بهتر است بینیم غربی ها چه نسخه ای را برای ما پیچیده اند. و به اعتقاد شما نظرات مربیان غربی بهتر از قران برای تربیت انسان ها جوابگو است و کاربرد دارد.

آقای آقازاده قران که هزار و چهارصد سال است وجود دارد، اما چرا بجز قرن اول تا اوایل دوره غیبت امام عصر (ع) انقلابی از نوع صدر اسلام در جامعه کمتر بوجود آمد و بعد ها هم تکرار نشد مگر در زمان ما؟ به این دلیل که در زمان ما اسلام از حالت سنتی محجور خود خارج شد و رنگ ایدئولوژیکی، اجتماعی و سیاسی به خود گرفت. در ایران نیز از زمانی که افرادی مانند امام (ره) و یاران او با از خود گذشتگی و روحیه انقلابی، اسلام ناب محمدی (ص) را به عنوان شیوه زندگی، و نظام مردم سالاری دینی را وارد جامعه کردند، اسلام قدرت تغییر و ایجاد پیشرفت همه جانبه در زندگی فردی و اجتماعی را پیدا کرد. افرادی مثل مقام معظم رهبری، شهید بهشتی (ره)، شهید مطهری، علامه طباطبایی، آیت الله طالقانی و... نگاه نواندیشی و ایدئولوژیکی به قران داشتند که توانستند در جامعه انقلاب برپا کنند. مردم نیز وقتی که این نگاه را پیدا کردند توانستند در جامعه خود دست به اصلاح بزنند. امیدوارم شما از کسانی نباشید که معتقد هستند قران فقط در قبرستان ها و یا مجالس ترحیم کاربرد دارد. بگذریم...

جنابعالی از یک طرف به دلیل دخالت دادن باورهای دینی و نگاه ایدئولوژیکی توسط تدوین کنندگان سند (البته در کنار سایر متغیرها) ناراحت هستید، اما در انتهای نوشته خود اظهار می کنید که در ۳۰۰ جای قران بر اهمیت فکر و اندیشه ورزی تاکید شده است. و غافل از اینکه پرورش تفکر و اندیشه به عنوان یکی از عناصر تربیتی از قران اخذ شده است. یعنی پرورش تفکر همان عنصر تربیتی مهمی که شما با انتقاد از مولفه های الگوی هدف گذاری و مبهم بودن، آن را زیر سوال برده اید؟!

#### **انتقاد هشتم: افراد موثر در جریان تدوین برنامه کنارزده شدند.**

**پاسخ:** افراد موثر نیاز به تعریف دارد. فردی که ضمن داشتن دانایی و توانایی و با وجود همه کاستی ها ایستادگی می کند تا یک کار به نتیجه برسد. کسی که متعهد است و قدرت کار با دیگران را دارد. افراد مدعی زیاد هستند، اما افرادی که ثابت پای کاری مانند و به خاطر اعتقادشان به مردم خدمت می کنند تا کاری به نتیجه برسد، چقدر کم اند؟؟؟ ما واقعاً بدنبال افراد موثر هستیم. یعنی افرادی متفکر، مومن باسواد، اهل عمل و دارای اخلاق حسنه که حداقل در عمرشان یک بار قران را عمیقاً خواندند و به وسیله مشورت با اهل معرفت، جهت درست زندگی را در همه ابعاد آن درک کردند. افرادی که معتقد به جهان بینی و فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی باشند. توانایی سازگاری با دیگران را دارند حتی اگر آنها متفاوت با او فکر کنند، زود قهر نمی کنند و..... ای کاش چند پیشنهاد خوب و سازنده را از شما شاهد بودیم. در این روزگار منتقد زیاد داریم، اما فکر مشکل گشا

و کارساز و دست یاری دهنده کم داریم . معلوم نیست چرا عده ای تحمل دیدن یک روحانی خداشناس ، باهوش ، برخوردار از ذهنیت علمی و معرفتی قوی، مسئولیت پذیر ، دارای تجربه مدیریت فرهنگی ، متعهد ، نواندیش و صاحب نظر در تعلیم و تربیت اسلامی را بر نمی تابند . اگر رویکرد فطرت گرایی توحیدی را مربیانی چون اشتاینر ویا کارل راجرز مطرح می کردند، حتما شما به به وچهره چهره می کردیدو آن را وحی منزل می دانستید، اما اکنون که یک مسلمان متفکر وعالم روحانی مطرح کرده است پذیرش آن برای شما ثقیل و مبهم است.

**انتقاد نهم : پروژه تولید سند برنامه درسی ملی، پروژه ای غیرقانونی، غیراخلاقی و فاقد استانداردهای یک پروژه است.**

**پاسخ :** آقای ذوعلم با توجه به مصوبه ۷۴۵ جلسه شورای عالی آموزش و پرورش مورخه ۸۶/۲/۴ ونامه شماره ۲۰/۲۴۰۱/۸ در تاریخ ۱۳۸۶/۳/۲۷ و تصمیم کمیسیون راهبری تولید و تدوین برنامه درسی ملی مسئولیت اجرای این پروژه را بر عهده گرفتند اگر مسئولیت این کار به شما واگذار نشد لطفا از اعضای کمیسیون سوال کنید ؟ از طرفی این سوال نیز مطرح می شود که :

آیا ملاک قانونی بودن شمائید و یا شورایعالی آموزش و پرورش ؟ آیا ملاک اخلاق شما هستید ویا دین و ارزش های اجتماعی ؟ استاندارها و مولفه ها را شما مشخص می کنید ویا کمیسیون راهبری ؟ مراحل کار را برای شما شرح دادیم . همگان می دانند که اگر کاری در قالب یک طرح علمی با مشخص بودن سوالات ومراحل علمی آن مطرح نباشد . اساسا مورد تایید قرار نمی گیرد . آیا اگر برنامه های درسی بدنبال پرورش شایستگی های فکری و عقلانی ، ایمانی و اعتقادی ، علمی و عملی و اخلاقی از طریق تعامل دانش آموزان با عرصه های مختلف یادگیری باشد برای شما عملی غیرقانونی و غیر اخلاقی است ؟ . مشروعیت یک برنامه ناشی از فرایند تولید علمی برنامه و پذیرش آن از سوی صاحب نظران و مسئولان ذیربط و ذیصلاح و قانونگذاران است.

به طور کلی در واقعیت، جلب نظر همگان درمورد یک برنامه درسی در سطح ملی با صد درصد توافق دشوار است و این موضوع به ویژگی روانی افراد ، دانش پیش زمینه آنها در خصوص اهداف تعلیم و تربیت اسلامی ، قوت ها ، ضعف ها ، تهدیدها و فرصت های آموزش و پرورش بستگی دارد.

**انتقاد دهم : به جای کوبیدن بر طبل ایدئولوژیک کردن برنامه های درسی، کوشش باید معطوف به معقول کردن اندیشه ها، برنامه ها، رفتارها و عناصر نظام برنامه درسی شود.**

**پاسخ:** در تمامی کشورها برنامه درسی هم ماهیت علمی ، ایدئولوژیکی وسیاسی دارد . علمی بودن یک برنامه تابع فرایندهایی است که در تولید و اعتباربخشی برنامه باید به کار گرفت. رعایت ملاحظات علمی (روش

کار ، منطقی بودن ، نظم و انسجام درونی ) به یک برنامه مشروعیت علمی می دهد . ماهیت ایدئولوژیکی به شما توصیه می کند که شما باید از یک مبانی و فلسفه اعتقادی پیروی کنید و سیاسی یعنی اینکه سیاستمداران باید درمورد مفید بودن یک برنامه متقاعد شوند. چون آنها برای یک کار که تامین کننده اعتقادات آنهاست باید هزینه کنند . چه اعتقادی بهتر از اسلام . شما به عنوان برنامه ریز نمی توانید هر چیزی را وارد برنامه درسی کنید . باید به قانون اساسی آن کشور، مصوبات مجلس و انتظارات مردم جامعه وفادار باشید و گرنه از اجرا و پشتیبانی برنامه دست برمی دارند. این قضیه درهمه جا صادق است ، آمریکا باشد یا کانادا ، انگلیس باشد و یا حتی کشورهنگند، که بقول یکی از نخست وزیران انگلیس "مهد دمکراسی است" شما مجاز نیستید هرچه را دلتان خواست بیاورید. باید هم توافق سیاستمداران و قانونگذاران و هم توافق مربیان و افراد صاحب نظر وهم مجریان ومخاطبان برنامه را داشته باشید. رعایت همین ملاحظات موجب شده است تا سند برنامه درسی ملی به صورت برنامه ای معقول ، منسجم واثربخش درآید.

در پایان خاطر نشان می نماید که خوب است جنابعالی با مراجعه به اسناد پشتیبان تولید سند برنامه درسی ملی درسازمان پژوهش و مصاحبه با دست اندرکاران تدوین سند تلاش کنید تا ابهامات ذهنی خود را در این زمینه بر طرف نمائید.